بسم الله الرحمن الرحیم

بیولوژی عقل درنظام استنباط فقهی

ازمنظر آیت الله شهید سید محمد باقر صدر(رضوان الله تعالی علیه)

نام و نام خانوادگی محقق :

محمد موسی زاده

استاد راهنما :آیت الله ملک زاده (زید عزه)

استاد مشاور:حجت الاسلام عابدینی (زید عزه)

مدرسه علمیه علوی قم

سال تحصیلی 1400

# پیشگفتار

# اقدم لكم أجمل سلامي وأحرتحياتی

وأعزيكم بمناسبة ذكرى استشهاد فخر العلم والعلماء ،الشهيدمحمدباقر الصدر رضوان الله تعالى عليه وأهدي هذا المجهود و ورقة المتواضعة الى العالم المجاهد وفخر الاسلام الشهيد السيد محمد باقرالصدرره.يصبح من اللازم بل الواجب علينا وعلى الأمة ،أن ندرسوا حياة العلماء الماضيين بنسبة المعاصرين.أدعوكم أن تذهبوا الى رحلة في سيرة الشهيد العزيز.وهى رحلة القرائة والتفكير في تعظيم هذه الشخصية العظمى

هوالذي كان هدفه الأمة وكان هدفه الاسلام.وهو أفنى وجوده من أجل وجود الأمة

في هذه الورقة المتواضعة أردت أن أكتب لكم بعض المكونات الشخصية العظمى الشهيدمحمدباقر الصدرره:

المكون الأول :العلمية؛

هو ذائب في العلم وهذا الواقع ناشي ء من قدر ايمانه وأهمية العلم.أيضا هو اتخذ منهجا خاصا لتربية نفسه من الناحية العلمية والعملية .وهو كان يقسم أوقاته بين المطالعة والكتابة والتفكير.لعل التفكيره كان يأخذ أكثرها

المكون الثاني:الاخلاص؛

استطاع الشهيد الفقيد أن يحصل النجاح.الاخلاص هو هذا العنصر الذهبي.

.المكون الثالث:الشجاعة

هوفريد عصره في الشجاعة وأيضا في الاستقبال والاستشراف.

في النهاية؛أيها الأعزاء في الجامعة والحوزة العلمية المباركة

علينا أن ندرس ونطالع بالتدقيق ونتعلم خطوة بعد خطوة للوصول الى المستجدات والانتاجات العلمية العلية فى مجتمعاتنا الاسلامية.ان شاءالله /کلنا الصدر... / الکاتب : محمَّد موسی زاده / البدایة:23 جمادى الأولى 1441/النهایة 3: الرمضان المبارک 1442

# مقدمه:

از زمانی که انسان پا در عرصه ی هستی نهاده است تا به امروز این نکته را درک کرده است که بین خوب وبد فرق قائل میشود وبرخی چیزها را بد شمرده وبرخی دیگر را خوب میپندارد.مثل خوب دانستن عدالت و احترام وبد دانستن زشتی و ظلم ودروغ و....که در زبان علم به این عناوین حسن وقبح عقلی گویند .آنچه که بشر حتی انسان خالی الذهن از مبانی دینی آن را درک میکند ،این است که یک حدی از وجود را در عالم خلقت دارا می باشد واین یک حقیقت ومفهوم مشترک به نام وجود است .البته وجود مراتب دارد وشدت وضعف دارد که از سعه ی بحث ما خارج است.حال بشر که خود را بود می یابد و وجود خودش را درک میکند با یکسری از نیاز ها آشنا میشود مثل خوراک ،پوشاک ،ازدواج ،مسکن و... ؛که شبانه روز به دنبال تامین نیاز های خود میباشد یا اینکه مانعی برای بدست آوردن انها ببیند ،آن موانع را کنار می زند تا به مطلوب خود برسد وطعم آسایش را برای خود به ارمغان بیاورد.اما سوالی که باید به دنبال پاسخی برایش باشیم این است که حال این انسانی که خود را دریافته وشبانه روز تمامی موونه های زندگی را برای ارضای سطحی خود از نیاز ها تحمل میکند بخاطر کدامین هدف دارد به حیاتش ادامه میدهد؟! ودائما این زندگی روزمره را تحمل میکند با همه ی سختی هایی که دارد مثل سختی تامین معاش و ازدواج و پوشاک وحتی تامین محبت و عواطفش و... .چرا که قبل از عمل و طرح برنامه ی برای عمل کردن باید حتما هدف را مشخص کنیم ولی متاسفانه ما انسانها بیشتر اوقات عمل میکنیم بعد طرح میریزیم وتازه در مرحله ی آخر به دنبال هدف خود از عملکردمان میگردیم .که این کار دقیقا خلاف دستور عقل است ومیدانیم که بدون هدف برنامه ریزی کردن قبح عقلی دارد.باید از ابتدا هدف مشخص شود بعد طرح رسیدن به هدف را برنامه ریزی کرده وتازه بعد انجام آن دو مرحله دست به اقدام وعمل بزنیم که نتیجه ی کارمان شود یک اثر عقلایی ومنطقی مطابق با همان قوه تمییزمان که عقل باشد. حال این اثر پژوهشی هم ابتدا هدف خود را ازطرح این سوال معین کرده وبعد درمرحله دوم طرح وبرنامه ی رسیدن به هدف را معین میکند وان شاءالله در مرحله سوم عمل مولف برای رسیدن به هدف، تقدیم نگاهتان میگردد.

امروز 19 فروردین سال 1400 سالروز شهادت علامه فهامه شهید صدر «رضوان الله تعالی علیه» می باشد.و ما در این مقدمه در صدد بیان و توضیحی مختصر از سوال اصلی مقاله هستیم .

\* برای اینکه بتوانیم از جایگاه عقل در نظام دستوری اسلام از منظرشهید صدر ره سخن بگوییم ،سزاوار است که ابتدائا مشخص نماییم که مراد ما ازعقل چیست ؟! برای این امر نیز لازم است که اولا رابطه ونسبت عقل را بافقه یا به طور خاص ،نظام استنباط فقهی (علم اصول فقه)مشخص کنیم.ودرمرحله ی بعد آرای شهید صدررا درمورد رابطه ی عقل بافقه تقریر نماییم .آنچه که دربین عقلاءعالم پذیرفته شده است اینست که قدر متیقن رشد وتعالی بشریت، عقل ویا تعقل می باشد .که محتوای آن بدیهیات پذیرفته شده نزد انسان در هر جای عالم میباشد.اما سوالی که قرار است درفرآیند پژوهشی به آن پاسخ داده شود اینست که ؛ علامه فهامه شهید صدر ره به عقل در نظام استنباط فقهی ،باچه نگرشی مینگرند وتا چه حد به آن اعتبار بخشیده اند ؟چراکه ما مسلمین ومکلفین به تکلیف الهی هیچ مرامی برای کشف مراد شارع ومعصومان حکیم علیهم السلام به جز آموزه های شریعت که بصورت نص ومتن نگارش یافته اند،نداریم.این مقاله درصدد تبیین نگاه فقیه اصولی معاصر،شهید صدر ره درنوع تفسیرعقل دردایره علم اصول فقه می باشد.

درضرورت وانتخاب این موضوع همین بس که فقیه معاصری چون شهید صدر ره برای صاحب مکتب شدن در علوم اسلامی ؛عمده محور های علم وشاخصه های آن را تکامل بخشید وشبکه نخبگانی فقاهت را متحول ساخت.یکی از شاخص های انتخاب نگاه شهید صدر در راستای بیولوژی عقل ،اینست که ایشان برای دستگاه نظام مند استنباط فقه؛ساختار نوینی از علم اصول ارائه میکند.که با این ساختارشبکه ای منظم ،سازه های زیبای مصادیق دستوری اسلام که همان علم فقه می باشدبر روی یک مبنای بسیار محکم واستوار که عقل فقهی باشد بنا می گردد.ویکی از ضرورت های تالیف این مقاله براساس مکتب اصولی شهید صدر ره ؛درمرحله اول تبین جدیدی از رابطه ی عقل با فقه ازمنظر ایشان می باشد ودیگر اینکه این مقاله در صدد ایجاد یک نظم طولی وشبکه ای بین مباحث عقلی استنباط فقهی برای دانش پژوهان راه فقاهت می باشد ودر تلاش است تا از فهم جزیره ای عقل وفقه به طور جدا گانه ونامرتبط پرهیز شود.ازاین رو بیولوژی عقل در این مقاله بعنوان یک تحقیق بین رشته ای (میان شناسه های عقلی و نظام دستوری اسلام)می باشد.

این موضوع در قلمرو فلسفه علم فقه بحث می شود.

کلید واژه: بیولوژی عقل ،فلسفه علم فقه، اصول استنباط، ملازمه عقل و شرع،ادراک

# فصل اول

## کلیات عقل :

امام کاظم علیه السلام فرمودند:

إن الله علی الناس حجتین : حجه ظاهرهً وحجه باطنهً فاما الظاهره فالرسل و الانبیاء و الائمه واما الباطنه فالعقولٌ.[[1]](#footnote-1)

خداوند بر مردم دو حجت دارد :حجت آشکار و حجت پنهان .حجت آشکار رسولان و پیغمبران و امامان «علیهم السلام»هستند و حجت پنهان عقول مردم.

کارکرد عقل را در استنباط احکام شرعی میتوانیم به دو قسم مستقل و غیر مستقل تقسیم کنیم ،که به اعتبار مستقل بودن در کنار منابع دیگر همچون کتاب و سنت و اجماع قرار میگیرد بعنوان یک منبعی مستقل.و به لحاظ غیر مستقل بودن، ابزاری برای دستیابی به احکام شریعت از سایر منابع محسوب میشود. و علمای علم اصول فقه هم تاکنون با عنوان هایی همچون مستقلات عقلیه و غیر مستقلات عقلیه بحث نموده اند.

علامه مظفر ره : الظاهر انحصار المستقلّات العقليّة الّتي يُستكشف منها الحكم الشرعي في مسألة واحدة، و هي: مسألة التحسين و التقبيح العقليّين‏.[[2]](#footnote-2)

و در جای دیگری در کتاب خود به غیر مستقلات عقلیه اشاره کرده اند ؛

سبق أن قلنا: إنّ المراد من «غير المستقلّات العقليّة» هو ما لم يستقلّ العقل به وحده في الوصول إلى النتيجة، بل يستعين بحكم شرعي‏في إحدى مقدّمتي القياس (و هي الصغرى) و المقدّمة الاخرى (و هي الكبرى) الحكم العقلي الّذي هو عبارة عن حكم العقل بالملازم عقلًا بين الحكم في المقدمة الاولى و بين حكم شرعي آخر.[[3]](#footnote-3)

نکته ای که برای اصولیان اهمیت بسزایی در رابطه ی بین حکم عقل و شرع دارد اینست که مراد از ملازمات عقلی ، حکم عقل به ملازمه بین حکم شرعی و امری دیگر است خواه آن امر دیگر حکم عقلی باشد یا حکم شرعی یا غیر این دو باشد. مثل اتیان (انجام) مامور به اضطراری «تیمم» که لازمه ی عقلی اش سقوط امر اختیاری «وضو»است ولو اینکه اضطرار در داخل وقت یا خارج وقت زائل گردد. اما در مستقلات عقلیه لازم است بدانیم که از دو مقدمه عقلیه تالیف میشود مثلا میگوییم که« انجام عدل عقلا خوب است » از همه آنچه که تا بدین جا بیان داشتیم روشن میشود که آنچه در ملازمات عقلیه مورد بحث است عبارت است از اثبات کبریات عقلیه ای که در طریق اثبات حکم شرعی مورد استفاده قرار میگیرند.خواه صغری عقلی باشد مثل مستقلات عقلیه و خواه شرعی باشد مثل غیر مستقلات عقلیه .و اما بحث از صغری ،همیشه در علمی غیر از علم اصول بررسی میشود و بحث از کبری همیشه در علم اصول است ومراد از کبری همان «ملازمه جکم شرعی با امر دیگری به سبب ملازمه عقلی است»،خواه آن شیء دیگر حکمی شرعی باشد یا حکمی عقلی ویا غیر این دو.و نتیجه ی این صغری و کبری به عنوان صغری در یک قیاس دیگر که کبرایش حجیت عقل است ، قرار میگیرد.اما بهتر است که بدانیم خیلی از قدمای علم اصول همچون شیخ مفید و شیخ طوسی و علمای دیگر...«رضوان الله تعالی علیهم»در ادله ی احکام شرعی حرفی از دلیل عقلی یا بطور خاص عقل نزده اند.

1- مرحوم شيخ مفيد و دليل عقلى‏ شيخ مفيد اعلى اللّه مقامه، كه در حدود 997 سال پيش از دنيا چشم پوشيده است، در رساله اصوليه خود، ادلّه احكام را شمارش نموده و فرموده است: ادلّه احكام سه تا است (كتاب و سنّت نبوى و اقوال ائمّه عليهم السلام) و عقل را جزء ادلّه احكام، به حساب نياورده است منتهى مرحوم مفيد (عقل) را بكلّى از كار بركنار نكرده است و فرموده است: كارآيى عقل آن است كه انسان به وسيله عقل با ادلّه ثلاثه آشنا مى‏شود يعنى حجيّت قرآن و دلايل اخبار به وسيله عقل شناخته و ثابت خواهد شد.

2- مرحوم شيخ طوسى و دليل عقلى‏ مرحوم شيخ طوسى كه شاگرد شيخ مفيد بوده است و در حدود 950 سال پيش از دنيا رحلت نموده است، در كتاب خود به نام «عدّة الاصول» (اوّلين كتابى كه مسائل علم اصول را شرح و بسط داده است) از دليل عقلى اصلا نامى نبرده است چه رسد به آنكه آن را شرح داده باشد.

\*اما مرحوم ابن ادريس در کتاب خود دلیل عقلی را ذکر نموده اند:

3- مرحوم شيخ ابن ادريس و دليل عقلى‏ مرحوم ابن ادريس كه در حدود 818 سال قبل از دنيا چشم بسته است، اوّلين كسى است كه در كتاب «سرائر» خود به دليل عقلى تصريح نموده و در كتاب مزبور چنين فرموده است: (اگر نسبت به حكم از احكام شرعى دست انسان از كتاب و سنّت و اجماع، كوتاه باشد محقّقين به دليل عقلى متمسّك مى‏شوند)

همچنن مرحوم شیخ اعظم انصاری در کتاب خود «الفوائد الاصولیه» از دلیل عقلی نام برده اند .[[4]](#footnote-4)

# سیره علمی و عملی شهید صدر ره

تا اینجا سعی شد چارچوب اصلی موضوع مشخص شود , میپردازیم به سیره علمی شهید صدر :شیخ محمد رضا نعمانی حکایتی را از علامه شهید صدر ره نقل میکند :

\*هنگامی که شهید صدر مشغول مطالعه ،نوشتن یا تفکر میشدند از محیط پیرامونی خود منقطع شده و در کار علمی خود متمرکز میشدند و چنان در کار خود انسجام داشتند که متوجه امور پیرامونی خود نبودند که چه اتفاقی دارد می افتد .و از همسر شهید صدر نقل قول میکنند که ؛ زمانیکه سید در مطالعه و تفکر فرو میرفت همه چیز را فراموش میکرد حتی غذایش را و هنگامی که از مطالعه و تفکرش فارغ میشد به او مگفتم که وقت ظهر فرا رسیده و ما چیزی برای ما نیست تا غذایی طبخ کنیم و بعد میرفت برای خرید مایحتاج منزل.

تركيزه في التفكير

يذكر الشيخ محمّد رضا النعماني أنّ السيّد الصدر (رحمة الله) حينما يقرأ أو يكتب أو يفكّر ينقطع عن المحيط الذي يعيش فيه، وينسجم مع الحالة التي هو فيها انسجاماً بنحو لا يشعر معها بما حوله، وكان الشيخ في أحيان كثيرة يردع أطفاله الصغار عن اللعب أو الصياح ظنّاً منه أنّ ذلك يوفّر له جوّاً مناسباً للتفكير والمطالعة، إلّا أنّه لاحظ أنّ السيّد الصدر (رحمة الله) لا يعبأ بما يحدث حوله ولا يتضجّر من الضجيج والصياح، فسأله عن سبب ذلك فقال له: «حينما أنسجم مع المطالب العلميّة لا أشعر بما حولي‏ [حتّى ضجيج الأطفال‏]». وينقل عن السيّدة أم جعفر قولها: «حينما يستغرق السيّد في المطالعة أو التفكير ينسى كلّ شي‏ء حتّى طعامه، فأراني مضطرّةً في آخر الأمر إلى قطع تأمّله أو مطالعته، فأقول له: لقد قرب الظهر ولا شي‏ء عندنا، عندها يقوم ليشتري بنفسه ما نحتاج إليه».[[5]](#footnote-5)

\*ودرجای دیگری از احوالات علمی شهید صدر بدین شکل یاد میکنند که ایشان کل آثارشان را در یک مرتبه تالیف نموده اند و اصولا به چک نویس و بازنگری اعتقادی نداشتند چرا که به کامل بودن و دقیق بودن نوشتار خود اعتماد داشته اند.

كان السيّد الصدر (رحمة الله) عندما يكتب في موضوعٍ ما يعيشه بالكامل‏، وكان يؤلّف على‏مرحلتين:

الأولى: مراجعة المصادر المهمّة حول الموضوع ووضع الهيكل العام للكتاب على شكل نقاط.

الثانية: التفرّغ لأيّام للكتابة. وليس من عادته أن يكتب مسودّة ومبيضّة، فما يكتبه بقلمه يذهب مباشرةً للطبع.[[6]](#footnote-6)

\*در احوالات علمی شهید صدر ذکر شده است که روزی یکی از شاگردان از ایشان میپرسد که «محمد باقر صدر چگونه محمد باقر صدر شده است ؟! و ایشان در پاسخ به این سوال می فرمایند که اگر ازمن بپرسید چند ساعت مطالعه میکنید ؟! میگویم که در روز 8يا10 ساعت مطالعه ميکنم اما اگر از من بپرسید که چند ساعت با کتاب هستی ؟! میگویم تازمانی که بیدار هستم و نخوابيده باشم باکتاب هستم؛وهنگامی که در خیابان راه میروم راجع به حل سوالی که در ذهنم پدید آمده است تامل میکنم، و هنگامی که نزد قصابی می ایستم در ذهنم سوالی پدید می آید و برای حل آن تلاش میکنم؛ و هنگامی که برای خوردن غذا میشینم درذهنم مساله ای پدید می آید و می خواهم که حلش کنم.

إذا سألتني كم ساعةً تطالع؟ أقول لك: أطالع عشر ساعات أو ثماني ساعات. ولكن إذا سألتني كم ساعةً كنت مع الكتاب؟ أقول لك: ما دمتُ مستيقظاً وغيرَ نائم فأنا مع الكتاب. عندما أسير في الشارع أتأمّل مسألةً أريد حلّها، وعندما أقف عند القصّاب ففي ذهني مسألةٌ أحاول حلّها، وعندما أجلس على الطعام للأكل ففي ذهني مسألةٌ أريد حلّها.[[7]](#footnote-7)

# شهید صدر ره جامعیتی در علوم معقول ومنقول و اخلاق داشت که در بسیار افراد کم دیده میشود. وایشان عالم به مقتضیات زمان بودند ونیاز جامعه را میدانستند. شهید صدر در جواب شبهات غرب ،کتب متعددی نوشتند .در زمینه علم اصول نیز که فتح باب عظیمی کردند. ایشان به زبان علم روز مجهز بودند و جلوتر از زمان خود حرکت میکردند وبه تعبیری فوق سیستم بودند.

# \* عقل وافر ، برجسته ترین ویژگی شهید صدر ره

برجسته ترین ویژگی شهید صدر عقل وافر وکامل ایشان است .شهید سید محمد باقر صدر همه ویژگی های نبوغ از جمله ، حافظه قوی ،سرعت انتقال بالا،تفکر سیستماتیک، نگاه نظام مند،حکمت ف پاسخگویی حکیمانه، نویسندگی ماهرانه ،ادبیات نو و مدرن،شخصیت اجتماعی ،سیاسی ،انقلابی،استشراف و آینده نگری را داشت ولی آنچه که در ایشان به وفور یافت میشد ، عقل بود . وشاید به تعبیری این ویژگی ها نشانه عقل ایشان بوده است. آن چیزی که در شهید صدر ره می بینید فوران وآتشفشان عقل است ،که به دامنه ها می ریزد، و جهان را متحول میکند. حکمت و قدرت فقهی شهید صدر ره که در علوم مختلف گسترش یافته است نشانه ای از عقل وافر ایشان است .

# \*شهید صدر ره را باید شناخت و شناساند

در عصر هزاره ی سوم نیاز ما به شهید صدر ره بیش تر از قبل است و ایشان را باید شناخت بخاطر نیازی که امروز به او داریم ، اکنون بیش از هر زمانی دیگر به این عقلانیت ، به این ادبیات عقلانی و این تفقه عقلانی نیاز داریم. امروز بیش از چهل سال پیش به شهید صدر ره نیاز داریم ؛امروز باید ایشان را برای رشد عقل ، طرز تولید راهبرد، حکمت عملی در عرصه های اجتماعی وعرصه های فردی الگو قرار دهیم. تردید ندارم بر من واجب است نظر شهید صدر ره را درهر موضوعی مطالعه کرده وترویج کنم .

# \*بی نظیر ترین الگوی حکمت آموزی

سوالی که مهم است این است که چگونه باید حکمت را منتقل کرد؟در روایات مختلف آمده است که حکمت را خدا میدهد ؛ حکیم عالم بدون معلم است . مهمترین را ه تعلیم حکمت نشست و برخاست با یک حکیم است. خداوند نعمت عقل و حکمت را به شهید صدر تمام کرده بود؛ اگر بخواهیم در زمان خودمان حکمت را فرا بگیریم بی تردید بی نظیر ترین الگوی فراگیری حکمت ، شخص علامه شهید صدر ره است و میتوان از طریق معاشرت با سیره و اندیشه علمی ایشان بسوی این حکمت حرکت کرد.

# \*درک شهید صدر، ملاک عقلانیت

مهندسی فکری شهید صدر بی نظیر است و به سادگی نمیتوان به آن خدشه ای وارد کرد ؛مهندسی علمی او و مفاهیمی که توانست در کنار هم قرار بدهد و نظام مند به ان نگاه کند ،در ایشان منحصر به فرد است. حتی می توان درک شهید صدر را برای عقلانیت ملاک قرار داد ؛ هرکدام از اندیشمندان باید شهید صدر را تکمیل کنند و آن را ادامه دهند.

\*تولید ادبیات درباره «فهم»

شهید صدر در باب «فهم» به‌عنوان یکی از چهار عنصر اصلی عمل فقهی، ادبیات و نگاه‌هایی متفاوت داشته است. هرچند افراد دیگر نیز به فهم توجهاتی داشته‌اند؛ اما توجه شهید صدر به این مقوله ویژه است.

# \*فهم‌شناسی

شهید صدر در آثار خود بابی گشوده با عنوان فهم‌شناسی. فهم شناسی فرآیندی است که فهم به‌وسیله آن حرکت می‌کند و نهایی می‌شود؛ روند فهم و فهمیدن خیلی مهم است؛ چون روند فهم و فهمیدن دربردارنده خلأ‌ها، خطرات و اشکالاتی است که اگر آنها را نشناسیم، نمی‌توانیم استنباط دقیق و خوبی داشته باشیم.

# \*افزوده شهید صدر بر فهم عرفی

شهید صدر به نظر فقها مبنی‌بر اینکه اگر نصی در جایی وارد شده باشد، فهم عرفی آن مورد را در حکم مثال می‌بینند و حمل بر مثالیت می‌کنند، نکته‌ای اضافه کرده است که این حمل بر مثالیت، گاهی در ارتباط با چند نص هم قابل انجام است؛ به‌وسیه این دقت شهید صدر می‌توانیم قاعده بسازیم و پیش رویم.

# \*تولید ادبیات برای فهم اجتماعی

شهید صدر بابی را در فهم اجتماعی گشوده که بحث درباره آن باید کماکان انجام شود. ارتکاز عمومی برای مجموعه وجود دارد، که همه در آن مشارکت دارند و خبرگی، مهارت عمومی، ذوق یکسان و یکی‌شده، مربوط به همه و جامع است و در سایه و نتیجه این، ارتکازی متولد می‌شود که فهمی از خود تراوش می‌دهد که در موارد دیگر هم قابل استفاده است.

هنر شهید صدر است که برای فهم اجتماعی ادبیات تولید کرده است و زمینه را فراهم می‌کند؛ اما می‌توان زمینه را فراتر برد.

# \*فهم علمی

شهید صدر فهم علمی را در فهم موضوعی مطرح می‌کند که فقیه باید به یک فهم علمی مجهز باشد و یک مسأله را از حیث علمی نهایی کند و بعد سراغ نص برود؛ فهم علمی در کلام فقهای دیگر هم آمده است اما گسترده و فراوان نبوده است و در لابه‌لای بحث‌ها گم شده است.

# \*بهترین راه رسیدن به مجموعه ی شریعت ، اجتهاد و استنباط صحیح می باشد.\*

آنچه که قدر متیقن است این است که دین مبین اسلام یک دین جامع می باشد و برای هر زمان و مکانی باید ها و نباید های خاص حود را دارد . و علم فقه اسلامی ،تبین این شریعت الهی را بعهده گرفته است «بدین جهت فقیهان در طول تاریخ اسلام بر اجتهاد و استنباط احکام از منابع آن همت گماردند.بسیاری از آن ها تا آن جا که قدرت بشری اجازه می داد در این راه کوشیدند و بانگرشی فنی ، همه جانبه و تهی از سلیقه ی شخصی و خودسانسوری و تساهل و احتیاط بی جا، احکام را از منابع ، استنباط کردند ودر معرض عمل خلق قرار دادند. این گروه از فقیهان با کوششی وصف ناپذیر ، در سخت ترین موقعیت ها و بزرگترین مصیبت ها ف از اجتهاد و کوشش دست بر نداشته و سرمایه ای بس عظیم به ارث گذارده اند.استنباط و اجتهاد صحیح ، ضمن پیراستگی از تمام آنچه گفته شد، به دانش مداری ،ضابطه مندی ، اصالت منابع ،تحقیق و نگرش به مجموعه دین آراسته است؛ قابلیت اجرا دارد و میتواند پاسخگوی مشکلات جامعه باشد.تنها در این صورت فقیه میتواند فقهی جامع و مطابق شریعت ارائه کند.از این رهگذر ،سنگینی بار مسوولیت مدعیان استنباط آشکار میشود.»[[8]](#footnote-8)

# پیشینه استفاده از عقل در نظام استنباط فقهی

وقتی تاریخ و ادوار مختلف فقهی و اصولی را مطالعه میکنیم در می یابیم که استفاده از عقل به صدر اسلام باز میگردد.[[9]](#footnote-9) البته با آن توسعه و این قدمت ، بهره برداری از عقل ، گاه در کشاکش افراط و تفریط قرار گرفته ، و از این رو تبیین «جایگاه عقل در استنباط احکام » و پاسخ به پرسش های زیر لازم و مفید می نماید: مفهوم وماهیت عقل فقهی چیست؟

در استنباط احکام تا چه حد میتوان از عقل بهره برد؟ آیا عقل به عنوان منبع استنباط حکم پذیرفته میشود؟

کاربرد های دیگر عقل کدام است ؟[[10]](#footnote-10)

اما از آنجا که این پژوهش در صدد تبیین نگاه شهید صدر ره به مساله عقل در نظام استنباط فقهی است از این پس آرای ایشان را بصورت تطبیقی بررسی میکنیم.

# \*عقل درقلمروفقه

عقل در دانش فقه ،افزون بر آنکه منبعی مستقل از کتاب و سنت به شمار آید ، گاه چون ابزاری در خدمت سایر منابع قرار میگیرد. در این موقعیت سوالی که پدید می اید این است که : آیا واژه عقل در فقه معنای خاص دارد ؟در پاسخ می گوییم که نقش عقل با رویکرد استقلالی و غیر استقلالی اش ،چینش منطقی صغرا و کبرا و شکل دادن قیاس است. و عقل در سه جایگاه ،کاربرد استقلالی دارد :صغرا و کبرای مستقلات عقلیه و کبرای غیر مستقلات عقلیه .

دانش فقه و نظام استنباطات فقهی در این واژه«عقل» اصطلاح خاصی ندارد.و هیچ یک از فقیهان و اصولیان تعریف خاصی از واژه عقل ارائه نداده اند. وتنها گفتار شهید صدر در خصوص کاربرد استقلالی عقل است که میگوید: مراد از حکم عقلی ،حکم قوه عاقله به معنای فلسفی اش نیست.مراد حکمی است که عقل به طور جزم ویقین ، بدون استناد به قرآن و سنت صادر میکند.[[11]](#footnote-11)

اما محققانی دیگری بیانی دیگری دارند که ؛ بر این اساس عقل در فقه جدا از عقل فلسفی اش فرض میشود و حکمش با حکم عقل تفاوت فلسفی دارد.لکن تتبع گسترده در گفتارهای دانشمندان اصول و فقه نشان میدهد که هرچند مراد از عقل ، در کاربرد استقلالی آن ، عقل مستقل از قرآن و سنت و مراد از حکم عقل حکم قاطع این قوه است ؛ اما این تفسیر ،عقل را در مقابل اصطلاح فلسفی اش قرار نمیدهد.[[12]](#footnote-12)

# \*مباحث مطروحه ذیل دلیل عقلی در اصول شهید صدرره

شهید صدر در برخی تألیفات اصولی خویش به تبیین دلیل عقلی پرداخته است، از جمله در مباحث مقدماتی المعالم الجدیده دو رکن را از ارکان اساسی دانش اصول، برمی‌شمارد که عبارت‌اند از: بیان شرعی که از کتاب و سنت استفاده می‌شود و ادراک عقلی سپس به بررسی اجمالی این دو رکن و نقش آن‌ها در تشخیص و اثبات عناصر مشترک در استنباط احکام شرعی می‌پردازد.هم‌چنین ایشان در این کتاب برای تقسیم مباحث اصول، عناصر مشترک در ادله استنباط را به سه قسم تقسیم می‌کند:[[13]](#footnote-13)

اول: دلیل لفظی؛ مراد از آن دلیلی است که از کلام مولی استفاده می‌شود، مانند: «أقیموا الصلاه» که با این بیان بر وجوب نماز استدلال می‌شود.

دوم: دلیل برهانی؛ مراد از آن دلیلی است که از قانون عقلی کلی استفاده می‌شود، مثل وجوب مقدمه واجب که از یک قیاس شکل اول منطقی قابل استنباط است.

سوم: دلیل استقرائی؛ مراد دلیلی است که از تتبع حالات مختلف و در سطح وسیع حاصل می‌شود، مانند: تواتر.مراد ایشان از دلیل برهانی ـ چنان‌که اشاره شد ـ همان قیاس منطقی است که شیوه استدلال عقلی شمرده می‌شود. با توجه به این‌که شهید صدر تعبیر قیاس را موهوم می‌داند و احتمال برداشت و فهم قیاس اصولی باطل را منتفی نمی‌داند، لذا هر نوع استدلالی را که از یک گزاره عقلی استفاده کند، دلیل برهانی یا عقلی می‌داند.

بیان دلیل برهانی: عقل پس از شناخت حقایق و ارتباط بین آن‌ها، قواعد عمومی ‌شناخته شده‌ای را بر آن‌ها تطبیق می‌نماید؛ مثلاً هنگامی که رابطه بین وجوب و حرمت را به صورت تضاد تشخیص داد، قانون کلی «عدم امکان اجتماع دو متضاد در مورد واحد» را بر آن‌ها تطبیق می‌کند، لذا اجتماع وجوب و حرمت را در مورد واحد محال می‌شمارد. یا هنگامی که رابطه بین واجب و مقدمه‌اش را به صورت سبب و مسبب شناخت، بر اساس قاعده کلی عدم انفکاک بین آن‌ها، وجوب مقدمه را ثابت می‌داند.به این ترتیب، عقل می‌تواند وجود یا عدم حکمی رادر عالم تشریع کشف کند، چنان‌که این نقش را در عالم تکوین نیز به عهده دارد.[[14]](#footnote-14)

# موضع تنازع در دلیل عقلی

إنّ كلمات بعض المتقدّمين في بيان ما هو المراد من الدليل العقليّ في غاية التشويش، كتفسيرهم ذلك بالاستصحاب، والبراءة، وغير ذلك، إلّاأنّ الصحيح في ضابط محلّ النزاع هو: أنّ الخلاف قد وقع في إمكانيّة الاعتماد على‏ استنباط الحكم الشرعيّ بدليل عقليّ قطعيّ وعدمها.

وهذا غير النزاع الثابت بين الإماميّة والعامّة في حجّيّة الدلالة العقليّة المتقدّم تأريخيّاً على‏ هذا النزاع، حيث ادّعى السنّة حجّيّة الظنون العقليّة في الاستنباط، ومنع الإماميّة عن ذلك، ولعدم التمييز بين النزاعين اتّهم بعض الأخبارييّن الاصوليّين باتّباعهم الظنون العقليّة في استنباط الأحكام.

والواقع: أنّ الشيعة بأجمعهم أنكروا حجّيّة هذه الظنون تبعاً لأئمّتهم الذين كثر عنهم الردع عن ذلك، كقولهم: «دين اللَّه لا يصاب بالعقول»، كما أ نّه يكفي في عدم حجّيّتها بغضّ النظر عن العمومات والإطلاقات الرادعة عن العمل بالظنّ مجرّد أصالة عدم الحجّيّة.[[15]](#footnote-15)

آن‌چه که در دانش اصول به عنوان مبنای استنباط جای طرح دارد این سؤال است که تا چه حد می‌توان در استنباط حکم شرعی بر دلیل عقلی اعتماد کرد؟ به عبارت دیگر، آیا عقل می‌تواند دلیل بر احکام شرع باشد؟ این بحث در بین فقیهان شیعه با توجه به دو نکته اساسی پی‌گیری می‌شود:

نکته اول: مراد از دلیل عقلی، آن نوع ادراک‌های عقلانی که توسط قوای خاصی از نفس بشری صورت می‌گیرد نیست، بلکه هر نوع ادراک جازم و قاطعی را که برای انسان حاصل می‌شود، شامل می‌باشد؛ خواه از قوای عقلی ـ به تعبیر فلاسفه ـ نشئت بگیرد یا از سایر قوای نفس حاصل شود. بنابراین، اقسام و مراتب مختلف فلسفی عقل در این‌جا مورد نظر نمی‌باشد.

نکته دوم: ادراک عقلی گاه در مرتبه قبل از کتاب و سنت و در مرحله اثبات وجود یا حجیت آن‌ها قرار دارد و گاه در مرتبه متأخّر از کتاب و سنت و حکم شرعی است و اطاعت و عصیان حکم شرعی را موضوع خود قرار می‌دهد. این دو صورت، از محل بحثِ میزان اعتماد بر عقل در استنباط حکم شرعی، خارج هستند؛ چه آن‌که این نوع ادراکات عقلی به‌صورت مستقیم در عملیات استنباط نقشی ندارند. آن نوع ادراک عقلی محل بحث است که مرتبه آن در کنار در عرض کتاب و سنت قرار دارد و مانند آن‌ها در استنباط مؤثر است.

اخباریان با توجه به هر دو نکته، نقش دلیل عقل را در استنباط منکرند و اصولیان هم با توجه به این دو نکته این نقش را برای آن قائل هستند.[[16]](#footnote-16)

# \*رد ادعای اخباریان

شهید صدر در مقام رد ادعای اخباریان (مبنی بر عدم امکان اعتماد بر عقل در احکام شرع) در دو مقام «عقل عملی» و «عقل نظری» به تفصیل مباحث این گروه را طرح می‌نماید و هم به صورت نقضی و هم حلی به جواب آن‌ها می‌پردازد.

از آن‌جا که ما در این مقاله برآنیم که جایگاه کاربردی دلیل عقل را در عملیات استنباط ارائه نماییم، از طرح اشکالات اخباریان و جواب آن‌ها صرف‌نظر می‌نماییم و به تشریح مبنای مرحوم صدر در اصل قاعده می‌پردازیم.

بحث این‌گونه طرح شده است که آیا حسن و قبح یک امر عقلی است یا شرعی؟ یا به تعبیر دیگر حسن و قبح یک امر ذاتی است یا شرعی؟

حقیقت و ماهیت حسن و قبح ـ گذشته از بدیهی بودنش ـ در دو طرف نزاع تفاوتی ندارد و دخالتی در اصل نزاع ندارد، بلکه تنها در انتساب آن‌ها مختلف است، لذا در یک طرف اگر حسن و قبح دارای واقعیتی خارجی باشد پس به واسطه عقل، مثل سایر واقعیات قابل ادراک است و حکم عقل در این موارد هم‌چون حکم عقل در قضایای بدیهی و ضروری است. از طرفداران این نظریه در بین فلاسفه و متکلمین باید از حاجی سبزواری و محقق لاهیجی نام برد. این مبنا را مشهور اصولیان پذیرفته‌اند و بر اساس آن مشی کرده‌اند.

در برابر، گروه دیگر معتقدند این قضایا از مشهورات عقلایی هستند و غیر از اتفاق آرای عقلا بر آن‌ها واقعیتی در خارج ندارند. از قائلان به این مسلک باید محقق گران‌قدر جناب شیخ محمد حسین اصفهانی و شاگرد وی مرحوم محمدرضا مظفر را نام برد. ایشان در مقام تأیید مختارشان، شیخ الرئیس و خواجه نصیرالدین طوسی را نیز طرفدار این نظریه معرفی کرده‌‌اند، بلکه به این واسطه این رأی را به فلاسفه به‌طور مطلق انتساب داده‌اند. از این‌رو، به تعبیر منطقی حسن و قبح ذاتی به حمل شایع و حسن و قبح شرعی به حمل اوّلی این‌گونه‌اند.

شهید صدر حقیقت حسن و قبح را بدین‌گونه تفسیر می‌کند: «إنّهما عباره عن الضروره الخَلقیّه الثابته فی لوح الواقع بقطع النظر عن اعتبار أیّ معتبر؛ حسن و قبح عبارت است از ضرورت فطری که در واقع ثابت است بدون آن‌که اعتبار هرگونه اعتبارکننده‌ای در آن تأثیر داشته باشد».[[17]](#footnote-17)

# \*منظور از دلیل عقلی چیست؟

قدیمی‌ترین تعریفی که از دلیل عقلی ارائه شده تعریف میرزای قمی در کتاب قوانین است:

«حکم عقلی یتوصل به إلی الحکم الشرعی، وینتقل من العلم بالحکم العقلی إلی العلم بالحکم الشرعی».[[18]](#footnote-18)

پس از او صاحب فصول در تعریف دلیل عقلی گفته است: «کل حکم عقلی یمکن التوصل بصحیح النظر فیه إلی حکم شرعی»[[19]](#footnote-19)و برادرش در هدایه المسترشدین دلیل عقلی را چنین تعریف کرده است: «کل حکم عقلی یستنبط منه حکم شرعی».[[20]](#footnote-20)

اماشهید صدر، دلیل عقلی را این گونه تعریف کرده است: «کل قضیه یدرکها العقل و یمکن أن یستنبط منها حکم شرعی؛ دلیل عقلی هر قضیه‌ای است که عقل آن را می‌فهمد و می‌توان از آن حکم شرعی را استفاده و استخراج کرد».[[21]](#footnote-21)

در این تعریف، تمام اقسامی که برای عقل و قضایای عقلی گفته می‌شود گنجانده شده است. هم‌چنین این تعریف، استناد با واسطه یا بی‌واسطه حکم شرعی به این نوع قضایا را شامل می‌شود.

با وجود این، تعریف مذکور تمام ادله عقلی را که در مباحث صغروی و کبروی فقه به‌کار می‌رود، شامل می‌شود لذا باید به این نکته توجه داشت که مباحث صغروی دلیل عقلی و وجود ادراک عقلی در موردی یا عدم آن، مربوط به مباحث فقه یا جزئیات مباحث اصولی است، اما آن‌چه که خود یک بحث مهم اصولی را تشکیل می‌دهد همان بحث کبروی، یعنی اثبات حجیت دلیل عقلی و چگونگی تأثیر آن در استنباط حکم شرعی است.[[22]](#footnote-22)

# \*نوآوری‌های شهید صدر در مباحث دلیل عقلی

تفاوت‌های شیوه بحث ایشان از دلیل عقلی با سایر اصولیان به شرح ذیل است:[[23]](#footnote-23)

\* تبویب مباحث اصول:ایشان در یک تقسیم کلی، مباحث اصول را در دو بخش «ادله محرزه» و «اصول عملیه» گنجانده است و در نهایت بحث تعارض ادله را -با هر دو قسمش- طرح می‌نماید. در بخش ادله محرزه نیز دو نوع دلیل کلی را در همه موارد به عنوان دلیل شرعی و دلیل عقلی تصویر می‌نماید.اصولیان گذشته، ترتیب کلی مباحث را بر اساس مباحث الفاظ، ادله، حجج و تعادل و تراجیح تقسیم می‌کردند و در بخشی از مباحث ادله ـ در برهه‌ای از زمان و نه به طور عمومی ـ مباحث ادله عقلیه را که عموماً بحث از حسن و قبح و اصل ملازمه بود، مطرح می‌نمودند.در عصر معاصر نیز محقق اصفهانی و شیخ محمدرضا مظفر و سید محمدتقی حکیم در الأصول العامه للفقه المقارن به گونه کم‌سابقه‌ای به بحث از دلیل عقلی پرداخته‌اند، لکن ایشان نیز مباحث دلیل عقلی را یکی از جزئیات بحث حجج و ادله به حساب آورده‌اند و نقشی اساسی به عقل در تنظیم ابواب اصول نداده‌اند.این نوع چینش مباحث اصول و اعتنا به دلیل عقلی به عنوان یک رکن از ادله‌ای که می‌تواند کاشف و محرز حکم شرعی باشد،

ناشی از شناختی است که شهید صدر به نحو واقعی و تحلیلی از مباحث اصول و توانمندی‌های عقل داشته است .در مباحث استدلالی اصول نیز ایشان بحث را به عنوان حجیت دلیل عقلی در مباحث مربوط به قطع طرح نموده و مشکل حجیت قطع حاصل از دلیل عقلی را -که در مباحث حجج و ادله قابل طرح است- مورد بحث قرار داده است.

# عقل نظری و عملی

تقسیم عقل به نظری و عملی از معروف ترین و پربحث ترین تقسیمات عقل می باشد.

مرحوم فارابی در تعریف عقل نظری و عملی می گوید :

عقل نظری نیرویی است که انسان به یاری آن از علمی که به عمل ارتباط ندارد ،برخوردار میشود.

و عقل عملی نیرویی است که انسان به یاری آن ،آنچه به عمل ارادی اش مربوط است فرا میگیرد.[[24]](#footnote-24)

# منشأ حکم عقل عملی چیست؟

مرحوم شهید صدر ادعا می‌نماید که اصل حسن و قبح، به واسطه برهان و استدلال قابل دسترسی نیست. هم‌چنین احکام عقل عملی به واسطه تجربه، قابل دسترسی نیست، چون از مقوله تجربیات نیستند. اما عدم امکان دسترسی به منشأ حسن و قبح به واسطه برهان منطقی، به این علت است که برهان به واسطه تشکیل قیاس ممکن است که اساس آن (ثبوت کبرای قیاس برای صغرای آن) به واسطه ثبوت حد وسط باشد و در صورتی که حد وسط نیز ـ به حسب فرض ـ یک حکم عقل عملی باشد که نیاز به برهان داشته باشد، پس در صورت تسلسل نمی‌تواند بر یک مبنا استوار شود. هم‌چنین احکام عملی عقل مستند به بداهت نیستند؛ چه آن‌که بداهت قابل استدلال نیست. بنابراین ادارک حسن و قبح یک امر ضروری فطری و خلقی است.البته در تمام ادراکات عقلی یک شبهه اساسی وجود دارد که باید در مقام اعتماد بر دریافت عقلی این شبهه دفع شود و آن این‌که در هر ادراک عقلی آیا نیک شمردن چیزی و زشت شمردن دیگری، از کُنه درون اوست یا از تعلیمات به او داده شده و یا از جامعه و قوانین آن گرفته شده است؟

این شبهه را ـ به بیانی که گذشت ـ نمی‌توان با برهان دفع کرد. اما راه‌حل دفع شبهه برای هر شخصی این‌گونه است که وی ادراک عقلی خود را در جان خود نسبت به هر دو احتمال می‌تواند بسنجد؛ در صورتی‌که احتمال تأثّر خود از دیگران را منتفی ندانست، این ادراک قابل اعتماد نیست، اما در صورتی‌که قطع وی به ادراکش از بین نرفت و احتمال تأثیرپذیری وجداناً نبود، همین اعتقادش در دفع شبهه کفایت می‌کند و نیاز به دلیل دیگری ندارد.

با توجه به این بیان روشن می‌شود آن‌چه در برخی از کلمات در حل شبهه آمده است که انسانی خود را جدا از هر جامعه‌ای یکه و تنها فرض کند و درک عقل خود را بسنجد، خالی از واقعیت و مجرد فرض است و این امر تجربه‌پذیر نیست.از سوی دیگر توجه به این نکته لازم است که احکام عقل عملی، در غیر مورد تزاحم و به شرط حصول قطع، مورد نظر است که ریشه در یک امر اعتقادی و قلبی دارد.[[25]](#footnote-25)

# 

# تطبیقات دلیل عقلی در علم اصول توسط شهید صدر ره

مرحوم شهید صدر دلیل عقلی را در دانش اصول در دو مقام به کار برده است:

مقام اول، کاربرد دلیل عقلی در تفسیر و تحلیل پدیده‌ها و حقایق، مثل تحلیل و تفسیر وجوب تغییر یا حقیقت رابطه حکم با موضوعش. این قسم دلیل عقلی را «قضیه تحلیلی» نامیده است.

مقام دوم، دلیل عقلی‌ای که بعد از فراغ از تصور موضوع، در ناحیه ضرورت یا استحاله حکم جاری می‌شود، مانند استحاله امر به ضدین در یک زمان یا ملازمه بین وجوب چیزی و وجوب مقدمه آن. این قسم دلیل عقلی را «قضیه ترکیبی» نامیده است.

اما قضایای تحلیلی مستقیماً نقشی در استنباط احکام شرع ندارند، بلکه این نوع قضایا وسیله برهان و اثبات قضایای ترکیبی هستند و چگونگی تطبیق قواعد اصولی را تنقیح می‌کنند.مرحوم شهید صدر تمامی مصادیق دلیل عقلی و قضایای تحلیلی و ترکیبی را که در اصول کابرد دارد در بحث دلیل عقلی آورده است. این مصادیق عبارت‌اند از:[[26]](#footnote-26)

1.قاعده استحاله تکلیف به غیر مقدور

2.شرطیت قدرت به معنی اعم

3.قاعده امکان وجوب مشروط

4.مسئولیت در برابر قیود و مقدمات واجب

5.قاعده امکان شرط متأخر

6.قاعده امکان واجب معلّق

7.مسئولیت در برابر مقدمات واجب قبل از وقت واجب

8.قاعده استحاله اعتبار علم به حکم در موضوع همان حکم و ضد و مثل آن حکم

9.قاعده عدم امکان اعتبار قصد امر در متعلق حکم

10وجوب تخییری و کیفیت تصویر آن

11.وجوب غیری و کیفیت تصویر آن و خواص آن

12.دلالت اوامر اضطراری و ظاهری بر اجزاء

13.امتناع اجتماع امر و نهی

14.اقتضای وجوب شیء برای حرمت ضد آن

15.اقتضای حرمت برای بطلان در عبادات و معاملات

\*از بهترین نشانه های شناخت عمیق شهید صدر ره ،مقدمه ی ایشان در مقدمه المعالم الجدیده در بحث تاریخ اصول می باشد[[27]](#footnote-27)که نقطه نظرات مختلف افراطی و تفریطی در برابر دلیل عقلی را و همچنین انچه که در وصول به دلیل عقلی در دانش اصول مفید باشد رابه خوبی و عالمانه و ماهرانه روشن میسازد:

نظرات متعارض در ادراک عقلی

و قد شهد تاريخ التفكير الفقهي اتجاهين متعارضين في هذه النقطة كل التعارض، يدعو أحدهما إلى اتخاذ العقل في نطاقه الواسع الّذي يشمل الإدراكات الناقصة، وسيلة رئيسية للإثبات في مختلف المجالات التي يمارسها الأصولي و الفقيه. و الآخر يشجب العقل و يجرده إطلاقا عن وصفه وسيلة رئيسية للإثبات، و يعتبر البيان الشرعي هو الوسيلة الوحيدة التي يمكن استخدامها في عمليات الاستنباط.و يقف بين هذين الاتجاهين المتطرفين اتجاه ثالث معتدل يتمثل في جلّ فقهاء مدرسة أهل البيت عليهم السلام، و هو الاتجاه الّذي يؤمن- خلافا للاتجاه الثاني- بأن العقل أو الإدراك العقلي وسيلة رئيسية صالحة للإثبات إلى صف البيان الشرعي، و لكن لا في نطاق منفتح- كما زعمه الاتجاه الأول- بل ضمن النطاق الّذي تتوفر فيه للإنسان القناعة التامة و الإدراك الكامل الّذي لا يوجد في مقابله احتمال الخطأ، فكل إدراك عقلي يدخل ضمن هذا النطاق و يستبطن الجزم الكامل‏ فهو وسيلة إثبات، و أما الإدراك العقلي الناقص الّذي يقوم على أساس الترجيح و لا يتوفر فيه عنصر الجزم فلا يصلح وسيلة إثبات لأي عنصر من عناصر عملية الاستنباط.فالعقل في رأي الاتجاه الثالث أداة صالحة للمعرفة، و جديرة بالاعتماد عليها و الإثبات بها إذا أدت إلى إدراك حقيقة من الحقائق إدراكا كاملا لا يشوبه شك. فلا كفران بالعقل كأداة للمعرفة، و لا إفراط في الاعتماد عليه فيما لا ينتج عنه إدراك كامل.

# \*نوآوری‌های شهید صدر در مباحث دلیل عقلی

تفاوت‌های شیوه بحث ایشان از دلیل عقلی با سایر اصولیان به شرح ذیل است:[[28]](#footnote-28)

\* تبویب مباحث اصول:ایشان در یک تقسیم کلی، مباحث اصول را در دو بخش «ادله محرزه» و «اصول عملیه» گنجانده است و در نهایت بحث تعارض ادله را -با هر دو قسمش- طرح می‌نماید. در بخش ادله محرزه نیز دو نوع دلیل کلی را در همه موارد به عنوان دلیل شرعی و دلیل عقلی تصویر می‌نماید.اصولیان گذشته، ترتیب کلی مباحث را بر اساس مباحث الفاظ، ادله، حجج و تعادل و تراجیح تقسیم می‌کردند و در بخشی از مباحث ادله ـ در برهه‌ای از زمان و نه به طور عمومی ـ مباحث ادله عقلیه را که عموماً بحث از حسن و قبح و اصل ملازمه بود، مطرح می‌نمودند.در عصر معاصر نیز محقق اصفهانی و شیخ محمدرضا مظفر و سید محمدتقی حکیم در الأصول العامه للفقه المقارن به گونه کم‌سابقه‌ای به بحث از دلیل عقلی پرداخته‌اند، لکن ایشان نیز مباحث دلیل عقلی را یکی از جزئیات بحث حجج و ادله به حساب آورده‌اند و نقشی اساسی به عقل در تنظیم ابواب اصول نداده‌اند.این نوع چینش مباحث اصول و اعتنا به دلیل عقلی به عنوان یک رکن از ادله‌ای که می‌تواند کاشف و محرز حکم شرعی باشد، ناشی از شناختی است که شهید صدر به نحو واقعی و تحلیلی از مباحث اصول و توانمندی‌های عقل داشته است .در مباحث استدلالی اصول نیز ایشان بحث را به عنوان حجیت دلیل عقلی در مباحث مربوط به قطع طرح نموده و مشکل حجیت قطع حاصل از دلیل عقلی را -که در مباحث حجج و ادله قابل طرح است- مورد بحث قرار داده است.

ومن الله التوفیق

# چکیده

# در این رساله به اهمیت نگاه شهید صدر ره درباره ی جایگاه عقل در نظام استنباط فقهی پرداخته شد .البته این مقاله بصورت تطبیقی فواید و آثار نگاه علامه صدر ره را ذیل ادراکات و جایگاه عقل را واکاوی و وابینی نمود.در این پژوهش بیان شد که از بهترین نشانه های شناخت عمیق شهید صدر ره ،در بحث تاریخ اصول می باشد که نقطه نظرات مختلف افراطی و تفریطی در برابر دلیل عقلی را و همچنین انچه که در وصول به دلیل عقلی در دانش اصول مفید باشد رابه خوبی و عالمانه و ماهرانه روشن ساخته است. وبیان شد که مهندسی فکری شهید صدر بی نظیر است و به سادگی نمیتوان به آن خدشه ای وارد کرد ؛مهندسی علمی او و مفاهیمی که توانست در کنار هم قرار بدهد و نظام مند به ان نگاه کند ،در ایشان منحصر به فرد است. حتی می توان درک شهید صدر را برای عقلانیت ملاک قرار داد.

1. محمد بن یعقوب کلینی : کافی ، اصول ،جلد 1،ص 19 [↑](#footnote-ref-1)
2. رضا مظفر،اصول الفقه ،جلد 2، ص268 [↑](#footnote-ref-2)
3. رضا مظفر ، اصول الفقه ، جلد 2 ص 300 [↑](#footnote-ref-3)
4. .مرتضی ، انصاری ، الفوائد الاصولیه ،ص 552 [↑](#footnote-ref-4)
5. العاملي، أحمد عبد الله‏ ،محمد باقر الصدر السيرة و المسيرة في حقائق و وثائق‏ جلد 2 ص293 [↑](#footnote-ref-5)
6. العاملي، أحمد عبد الله‏ ،محمد باقر الصدر السيرة و المسيرة في حقائق و وثائق‏ جلد 2 ص295 [↑](#footnote-ref-6)
7. ر.ک همان ،العاملي، أحمد عبد الله‏ ،محمد باقر الصدر السيرة و المسيرة في حقائق و وثائق‏ جلد 2 ص292 [↑](#footnote-ref-7)
8. ابوالقاسم علیدوست، فقه و عقل ، صفحه 18،16،15 [↑](#footnote-ref-8)
9. ر.ک سید مرتضی علم الهدی ، الذریعه الی اصول الشریعه،ج 2 ص 710 [↑](#footnote-ref-9)
10. ابوالقاسم علیدوست، فقه وعقل، صفحه 21 [↑](#footnote-ref-10)
11. ج4 ص119 سید محمود هاشمی :بحوث فی علم الاصول (تقریرات شهید صدر) [↑](#footnote-ref-11)
12. ابوالقاسم علیدوست ، فقه وعقل،ص35 [↑](#footnote-ref-12)
13. رحمان ستایش، مقاله جایگاه دلیل عقلی در استنباط احکام شرعی از دیدگاه شهید صدر [↑](#footnote-ref-13)
14. محمد باقر الصدر، المعالم الجدیده، المجموعه الکامله ،جلد 3،صفحه 37 [↑](#footnote-ref-14)
15. ج1،ص395 سید محمد باقر صدر، مباحث الاصول ، [↑](#footnote-ref-15)
16. رحمان ستایش، مقاله جایگاه دلیل عقلی در استنباط احکام شرعی از دیدگاه شهید صدر [↑](#footnote-ref-16)
17. ج1،ص527 سید محمد باقر صدر، مباحث الاصول ، [↑](#footnote-ref-17)
18. القوانین المحکمه ،جلد2 ص40 [↑](#footnote-ref-18)
19. الفصول ،ص316 [↑](#footnote-ref-19)
20. هدایه المسترشدین ص 431 [↑](#footnote-ref-20)
21. ج4 ص 176 المجموعه الکامله (دروس فی علم الاصول) [↑](#footnote-ref-21)
22. رحمان ستایش، مقاله جایگاه دلیل عقلی در استنباط احکام شرعی از دیدگاه شهید صدر [↑](#footnote-ref-22)
23. [↑](#footnote-ref-23)
24. ملاهادی سبزواری ،غررالفوائد فی فن الحکمة، ص 310 [↑](#footnote-ref-24)
25. رحمان ستایش، مقاله جایگاه دلیل عقلی در استنباط احکام شرعی از دیدگاه شهید صدر [↑](#footnote-ref-25)
26. دروس فی علم الاصول ،،المجموعة الکامله ،ج4،صص179/250 [↑](#footnote-ref-26)
27. المعالم الجدیده ، المجموعه الکامله لمولفات السید محمد باقر الصدر،ج 3،صص41/51 [↑](#footnote-ref-27)
28. [↑](#footnote-ref-28)